

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره هفتم، بهار ۱۴۰۲: ۱۰۰-۷۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی کارزارهای توییتری خشونت علیه زنان

* شیما ناصرترک

** علی دلاور

*** افسانه مظفری

**** طهمورث شیرینی

چکیده

از مهم‌ترین مطالبی که شبکه‌های اجتماعی -توییتر- به آن توجه داشته‌اند، خشونت علیه زنان در ایران بوده است. مهم‌ترین پشتوانه‌های نظری در پدید آمدن این کارزارها، انعکاس مطالب درباره خشونت علیه زنان است. از مهم‌ترین عامل‌ها در پدید آمدن این موج‌ها، فعالان مهم در عرصه این شبکه‌های اجتماعی هستند که با استفاده از دنبال‌کنندگان خود این مطالب را انعکاس می‌دهند. مهم‌ترین آنها از نظر تعداد، توثیت و ریتوئیت، کمپین «دختران انقلاب» بوده است. هدف تحقیق، تحلیل چگونگی عملکرد توییتر در انعکاس مطالب خشونت علیه زنان در ایران بر اساس مهم‌ترین کارزارهای به وجود آمده طی دهه اخیر است. این موضوع بر اساس مبانی نظری درباره انواع خشونت و جنبش‌های شبکه‌ای شده تحلیل شد. روش تحقیق، تحلیل مضمون توثیت‌ها و هشتگ‌های مرتبط با کمپین‌ها از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ است. نتایج تحقیق نشان داد که مهم‌ترین مضامین درباره خشونت اجتماعی و سیاسی علیه زنان است. در این رابطه برخی از کمپین‌ها و هشتگ‌ها،

* دانشجوی دکتری، گروه ارتباطات، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
shimanasertork@yahoo.com

** نویسنده مسئول: استاد گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، ایران
delavar@atu.ac.it

*** دانشیار گروه ارتباطات، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
a.mozzafari@srbiau.ac.it

**** دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران
shiri.tahmures@gmail.com



سبب بروز ناامنی‌ها در اجتماع و تأثیر عینی در جامعه بوده‌اند که مهم‌ترین آنها از نظر تعداد توئیت و ری‌توئیت کمپین دختران خیابان انقلاب بود. بنا به اهمیت امنیتی و تأثیر فضای مجازی نظیر توئیت، تحلیل مضامین توئیت‌ها نشان از خلأ اخبار، پست‌ها و توئیت‌های افراد مرتبط با کمپین‌ها و هشتگ‌ها بود.

واژه‌های کلیدی: خشونت، حقوق زنان، کارزار، توئیت و شبکه‌های اجتماعی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

امروزه بشر، عصری را تجربه می‌کند که شکل نوین ارتباطات در بستر فضای مجازی، تعاریف، مفاهیم و کارکردهای زندگی اجتماعی را دگرگون کرده است. از جمله این تغییرات، شکل مشارکت در بیان خواسته‌های اجتماعی-سیاسی است. در دنیای گذشته، رابطه میان مشارکت و خواست اجتماعی-سیاسی با تغییر یا اصلاح وضعیت مورد نظر، منوط به کنش در فضای فیزیکی و استمرار زمان برای نیل به خواسته‌ها بوده است. امروزه بر اساس امکانات نوینی که فضای مجازی تعریف کرده است، رابطه میان خواست با عمل اجتماعی-سیاسی به طور بی‌زمان یا همیشگی است؛ یعنی هیچ‌گاه مشمول زمان، کهنگی یا فراموشی نمی‌شود. در این جهان نوین کافی است بر اساس دغدغه‌ها یا تجربه‌های فردی و با استفاده از کدهایی نظیر هشتگ^۱، خواسته‌ای به یک کارزار^۲ تبدیل شود و به صورت شبکه‌ای و موج‌وار، مشارکتی را شکل دهد که دغدغه‌های همسان را به صورت فرهنگی در اجتماع نهادینه کند و از حالتی منفعل به صورت فعال و تولیدکننده محتوا برای شبکه باشد (ر.ک: گشنیزجانی، ۱۳۹۵) در این میان تفکرات و نظریه‌های عمده اجتماعی-سیاسی نیز در بستر این شکل نوین ارتباطی به نوعی کارکردی شبکه‌ای یافته‌اند (صفائی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۳۰).

در میان کارزارها یا کمپین‌های عمده شبکه‌های اجتماعی که در توئیتر^۳ شکل گرفته‌اند، بحث خشونت علیه زنان است که از نظریه‌پردازی‌های فمینیستی در بستر شبکه‌ای توئیتر بسط یافته است. در دورانی که کاربران فضای مجازی در ایران به توئیتر اقبال نشان داده‌اند، خواسته‌های عمده زنان در شکل‌های متنوع کمپین‌های اجتماعی-سیاسی رایج (ترند) شده است. اهمیت این خواسته‌های شبکه‌ای شده، تأثیر آن در جنبش‌های اجتماعی-سیاسی در فضای واقعی و فیزیکی است (ر.ک: Karimi, 2015)؛ مانند کمپینی که در سال ۱۳۹۶ در اعتراض به حجاب رخ داد و به نام دختران خیابان انقلاب مشهور شد. نگرش شبکه‌ای شدن خشونت علیه زنان، بازتولید و دوباره از سرگیری خواست در فضای بدون زمان وب^۴ است؛ یعنی کارکردی که با مقوله‌های بیان

1. Hashtag
2. campaign
3. Twitter
4. Web

حق، حمایت از حق و مشارکت در حق خواهی در بسیاری از این کمپین‌ها به چشم می‌خورد. در این میان نگرش‌های متفاوتی نظیر خشونت جسمی، جنسی، روانی و مالی از خشونت علیه زنان وجود دارد (معمدی مهر، ۱۳۸۰: ۳۵؛ فرنچ، ۱۳۷۳: ۶۸؛ اعزازی، ۱۳۸۰: ۳۷) که توجه به وابستگی کمپین‌ها به پیروی یا القای هر یک از آنها، نوع کارکرد این کمپین‌ها را در توئیت‌ر مشخص می‌کند.

در هر صورت از مهم‌ترین وجوه مشترک تمام نگرش‌های عمده خشونت علیه زنان، آگاهی‌بخشی جنسیتی در قالب‌های مختلف است. بنابراین در این تحقیق سعی می‌شود تا با تکیه بر موضوع کمپین‌های عمده خشونت علیه زنان در توئیت‌ر، مقوله‌بندی توئیت‌هایی که دارای بیشترین ریتوئیت^۱ هستند، رابطه شبکه‌ای آنها با شبکه مضامین مقایسه و راه‌حل برای آنها ارائه شود. مسئله اصلی تحقیق، تحلیل مضمون و بررسی شبکه مضامین کمپین‌های توئیت‌ری در دوره ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ در رابطه با خشونت علیه زنان است.

پیشینه تحقیق

در زمینه بحث می‌توان از دو مقاله نام برد. نخست مقاله‌ای با عنوان «نقش‌های جنسیتی در جهان رسانه‌های اجتماعی زنان ایرانی» (ر.ک: قیطانچی، ۲۰۱۵) که به موضوع رابطه زنان ایرانی و فعالیت‌های آنها در فیس‌بوک و وبلاگ توجه کرده است. در این مقاله به موضوع فمینیسمی مادر بودن و تحلیل آن در نوشته‌های مادران ایرانی در شهرهای تهران، اهواز، شیراز و اصفهان توجه شده است. به نظر پژوهشگر، مادران ایرانی، موضوعات و موارد دیگری را بیشتر از آنچه به طور سنتی وظیفه مادری و تربیت فرزندان محسوب می‌شود، لحاظ می‌کنند. زنان با اتخاذ هویت پنهانی (اغلب انتخاب فامیلی ایرانی) توانسته‌اند از مخاطرات شناسایی شدن حذر کنند. افزون بر این، فضای بی‌مکان سایبر، امکان همکاری‌های جهانی و همبستگی زنان خارج از کشور را نیز ممکن ساخته است.

کریمی (۲۰۱۴) در مقاله خود با عنوان «هویت زنان ایرانی و فضای سایبر، مطالعه موردی: صفحه آزادی‌های یواشکی»، مفهوم هویت را به تعریف بازنمایی جنسیت در صفحه فیس‌بوکی آزادی‌های یواشکی ربط داده است. وی از نظریه‌های اندیشمندان

ارتباطات وام می‌گیرد و نشان می‌دهد که اینترنت، فضایی رهایی‌بخش در اختیار زنان قرار می‌دهد. پژوهشگر، هشت ویژگی برای رسانه‌ها نقل می‌کند و گریزی به مفهوم سایبرفمینیسم نیز می‌زند. روش این مقاله، تحلیلی است و از تکنیک ویژه‌ای برای جمع‌آوری داده‌ها و تبیین نتایج بهره نمی‌گیرد. افزون بر این میان مفاهیم متفاوت طرح‌شده، پیوندی برقرار نکرده و از تبیین صفحه‌آزادی‌های یواشکی با هم‌مین ابزار نظری نیز عاجز است. این مقاله، تلاشی در مدح این صفحه در هویت‌سازی زنان ایرانی به دور از تحمیلات فضای مردسالار واقعی است.

ادبیات و مبانی نظری پژوهش

خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان، اصطلاحی تخصصی است برای توصیف کلی کارهای خشونت‌آمیز که علیه گروه خاصی از مردم اعمال می‌شود و جنسیت قربانی، پایه اصلی خشونت است (آقابیکولی و آقاخانی، ۱۳۸۶: ۲۵). این نوع خشونت به معنای هر نوع رفتار خشن وابسته به جنسیت است که موجب احساس تهدید، اجبار، سلب مطلق اختیار و آزادی یا حمله‌ای در جمع یا در خفا گردد و اثرش ناراحتی یا تحقیر زن یا دختر باشد یا او را در برقراری تماس نزدیک و صمیمانه ناتوان نماید (آبوت و والاس، ۱۳۸۰: ۲۴۴).

تجاوز به عنف، ایجاد فضای تحریک‌آمیز یا تحقیرآمیز برای زنان با صور قبیحه (پورنوگرافی)، انواع متلک‌های جنسی که موجب تحقیر و سلب امنیت روانی زنان و دختران شود، سوءاستفاده از زنان و دختران در تجارت فحشا و قاچاق آنها برای این منظور، همه ذیل تعریف خشونت جنسی قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که گاه این نوع خشونت، ابعاد وسیعی را شامل شده و به منزله یک استراتژی در حمله به یک ملت مورد استفاده قرار می‌گیرد. مانند تجاوز سازمان‌یافته به عنف برای تغییر دادن نژاد یک ملت (علاوند، ۱۳۹۲: ۱۶۰).

در ماده اول اعلامیه اصطلاح رفع خشونت علیه زنان، خشونت اینگونه تعریف شده است: «هر عمل خشونت‌آمیزی است که بر اختلاف جنسیت مبتنی باشد و به آسیب یا رنج بدنی، جنسی یا روانی برای زنان بینجامد یا احتمال منجر شدن آن به این نوع

آسیب‌ها و رنج‌ها وجود داشته باشد. از جمله تهدید به اینگونه اعمال، زورگویی یا محروم‌سازی خودسرانه از آزادی، خواه در ملأ عام روی دهد و خواه در زندگی خصوصی» (سازمان جهانی بهداشت، ۱۳۸۰: ۱۹۸).

سازمان بهداشت جهانی در قطعنامه‌ای، خشونت علیه زنان را چنین تعریف کرده است: «هر نوع رفتار خشن و وابسته به جنسیت که موجب آسیب جسمی، روانی یا رنج زنان می‌شود. چنین رفتاری می‌تواند با استفاده از تهدید، اجبار یا سلب مطلق اختیار و آزادی در جمع یا خفا رخ دهد» (همتی، ۱۳۸۳: ۲۷۸). خشونت علیه زنان تقریباً در تمامی طبقات اجتماعی، اقتصادی، نژادی، سنی و جغرافیایی یافت می‌شود، هر چند این پدیده در میان برخی از گروه‌ها شایع‌تر است.

خشونت علیه زنان به اشکال زیر تحقق می‌یابد:

- خشونت جسمی: خشونت جسمانی علیه زنان به شیوه‌های گوناگون انجام می‌شود و کتک خوردن، شکنجه و قتل را در برمی‌گیرد (معمدی مهر، ۱۳۸۰: ۳۵).
- خشونت جنسی: خشونت جنسی به هرگونه رفتار غیر اجتماعی اطلاق می‌شود که از لمس کردن تا تجاوز را در بر می‌گیرد. این نوع خشونت ممکن است در حیطه زندگی خصوصی، زناشویی و خانوادگی اتفاق بیفتد و به صورت لزوم به تمکین از شوهر یا رابطه محارم با یکدیگر در حلقه خویشاوندی علیه زن اعمال گردد. در حیطه اجتماعی نیز از سوی فرد ناشناس تحقق می‌یابد (همان).
- آزار جنسی: هرگونه توجه نشان دادن نسبت به بدن زن بدون توافق صریح یا ضمنی، مشروط بر آنکه ماهیت جنسی داشته باشد، آزار جنسی به شمار می‌آید. آزار جنسی ممکن است در محیط کار، جامعه یا در محیط خانواده از سوی منسوبین مذکر اعمال شود. در اینگونه موارد، زنان درگیر مسئله‌ای می‌شوند که گاهی برای همیشه سری و محرمانه باقی می‌ماند؛ زیرا اگر تسلیم شوند، برخلاف باورهایشان عمل کرده‌اند و اگر تسلیم نشوند، به بی‌آبرویی، از دست دادن شغل و تحمل انواع دیگری از خشونت می‌انجامد. از جمله نمونه‌های آن مزاحمت‌های تلفنی، متلک‌پرانی‌های پسران و مردان در خیابان، مزاحمت در معابر و... است (معمدی مهر، ۱۳۸۰: ۳۵).
- خشونت روانی: این خشونت، رفتار خشونت‌آمیزی است که شرافت، آبرو و اعتماد به

نفس زن را خدشه‌دار می‌کند. این رفتار به صورت انتقاد ناروا، تحقیر، بددهانی، تمسخر، توهین، فحاشی، متلک، تهدیدهای مداوم به طلاق دادن یا ازدواج مجدد کردن، جداکردن زن از دوستان یا خانواده و از اینگونه موارد اعمال می‌شود.

- خشونت مالی: رفتاری خشن که زن را در امور مربوط به اشتغال، اقتصاد، دارایی تحت فشار و آزار و تبعیض قرار می‌دهد. عدم پرداخت نفقه، بخل و کنترل وسواس‌گرانه مخارج منزل، دریافت اجباری حقوق زن، تبعیضات و نابرابری‌های اقتصادی و... (همان).
استفاده از الکل و مواد مخدر، یکی از دلایل مهم در اعمال خشونت علیه زنان است. همچنین معیارهای اقتصادی و اجتماعی همچون بیکاری، مشکلات مالی، بی‌نظمی و شرایط نامطلوب کار، نقش مؤثری را در ایجاد این خشونت‌ها ایفا می‌کند. بعضی از محققان ابراز داشته‌اند که خشونت، نتیجه رفتارهای ناشی از دوران کودکی است؛ شوهران خشن، اغلب والدین خشن و ناراحتی داشته‌اند. در واقع بنا بر یک مطالعه آمریکایی، مردانی که در کودکی، والدینشان آنها را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند، سه برابر بیش از سایرین، زنانشان را می‌زنند و ده برابر بیشتر، زنانشان را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند. مردانی که متهم به آتش زدن زنانشان هستند، بارها می‌کوشند تا مسئولیت خودشان را ناشی از رفتار تحریک‌آمیز زنشان بیان کنند و جالب اینکه بیش از ۴۰٪ آنها حداقل یک بار شاهد آتش زدن یک انسان، به‌ویژه یک زن بوده‌اند. بر اساس گزارش کمیسیون جهانی توسعه و سلامتی زنان، علاوه بر بیماری و مرگ‌ومیر، خشونت علیه زنان، یکی از مهمترین دلایل بیماری‌های روانی، استرس‌ها، اعتیاد، جراحات، بیماری‌های جنسی HIV واگیردار و آلودگی به ویروس و خودکشی زنان است. همه این موارد، بار مالی سنگینی را به سیستم بهداشت و سلامت کشورها تحمیل می‌کند (فرنچ، ۱۳۷۳: ۶۸).

- خشونت سیاسی: خشونت سیاسی با عملکرد اهرم‌های قدرت رسمی یعنی دولت علیه زنان اعمال می‌شود. این خشونت به صورت غفلت از حقوق انسانی زنان در قانون‌گذاری انعکاس می‌یابد و به صورت عدم پشتیبانی از برابری حقوق زن و مرد در سیاست‌گذاری ظاهر می‌شود؛ به‌خصوص در برنامه‌های فرهنگی دولت تجلی می‌یابد (اعزازی، ۱۳۸۳: ۳۷).

جنبش‌های اجتماعی شبکه‌ای شده

شبکه‌های اجتماعی، تأثیرات بزرگی در ساختارهای سیاسی و جنبش‌های اجتماعی معاصر گذاشته‌اند. این تأثیرات هم ناشی از سرعت و وسعت ارتباطات شکل گرفته از طرف شبکه‌های اجتماعی با توده‌های مردم است و هم ناشی از عقلانیت و روش‌های ساخت معنا در چهارچوب این شبکه‌هاست. آلن تورن می‌گوید که جنبش‌های اجتماعی جدید، کمتر اجتماعی-سیاسی و بیشتر اجتماعی-فرهنگی هستند. نخستین جنبش‌های اجتماعی جدید به طور نزدیکی با کنش‌های ضد فرهنگ مرتبط بودند (کوهن ۱۳۸۶: ۱۰۴-۱۰۵).

به زعم کاستلز (۱۳۹۳)، جنبش‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای، ریشه در بی‌عدالتی بنیادین آن جامعه و تقابل بی‌وقفه آرمان‌های عدالت‌خواهانه انسان با این بی‌عدالتی دارند. او علل ساختاری و دلایل فردی برای قیام علیه یک یا چند بعد از سلطه اجتماعی را در یک رده می‌داند. جنبش‌های اجتماعی به‌ویژه جنبش‌های کنونی از «افراد» ساخته شده‌اند. هرچند معمولاً در آغاز یک جنبش، تعداد اندکی از اشخاص و گاهی فقط یک شخص درگیر است، آن کردارهای واقعی را که به جنبش‌های اجتماعی امکان تغییر نهادها و در نهایت تغییر ساختار اجتماعی می‌دهد، افراد انجام می‌دهند. در سطح فردی، جنبش‌های اجتماعی، جنبش‌های هیجانی هستند. اما انفجار بزرگ یک جنبش با تغییر شکل از هیجان به «کنش» آغاز می‌شود.

جنبش‌ها غالباً دارای سه معیارند؛ نخست آنکه جنبش، مجموعه‌ای از کنشگران فردی و سازمان‌یافته است که به کنش جمعی تعارض‌آمیزی علیه رقیب دست می‌زنند تا تغییری را ایجاد کنند یا از وقوع تغییری جلوگیری کنند. دوم، جنبش‌های اجتماعی با یاری راهبردها و منابع پشتیبان به اعمال ابتکاری، هماهنگ و منظم اقدام می‌کنند. سومین معیار جنبش‌ها، هویت است. تعهدی که حول هدفی مشترک وجود دارد، کنشگران را به یکدیگر و به جنبش وابسته می‌سازد (پوگام، ۱۳۹۳، به نقل از رحیمی، ۱۳۹۷: ۴۲).

همچنین جنبش را می‌توان بسان واکنش به حسی از بی‌عدالتی قلمداد کرد که ایدئولوژی مسبب آن بوده و همین حس، مبنای بسیج را فراهم آورده است. از نظر گاسفیلد، یک جنبش اجتماعی زمانی به وجود می‌آید که اعضای یک جامعه به این

آگاهی دست یابند که برخی قواعد اجتماعی خاص، دیگر بدیهی و قطعی نیستند و می‌توان درباره آنها تردید داشت (رهبری، ۱۳۹۳: ۱۴).

جنبش اجتماعی را می‌توان کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک یا تأمین هدفی مشترک، از طریق عمل جمعی خارج از حوزه نهادهای رسمی تعریف کرد (گیدنز، ۱۳۷۴: ۶۷۲). گیدنز معتقد است که جنبش‌ها از نظر تعداد اعضا کاملاً متفاوتند و می‌توانند محدود و یا گسترده باشند و اینکه ممکن است در چهارچوب قانون فعالیت کنند و یا غیر قانونی باشند.

دیوید آبرل، طبقه‌بندی‌ای از جنبش‌های اجتماعی ارائه می‌دهد:

- جنبش‌های دگرگون‌ساز که هدفشان، دگرگونی فراگیر در جامعه یا جوامعی است که خود بخشی از آن هستند. اعضای این جنبش‌ها در پی تغییراتی سریع، وسیع، جامع، فراگیر و اغلب خشن هستند. نمونه این جنبش‌ها، جنبش‌های انقلابی است.

- جنبش‌های اصلاح‌طلب که هدف‌های محدودتری دارند و می‌خواهند تنها برخی از جنبه‌های نظم اجتماعی موجود را تغییر دهند. آنها به انواع ویژه‌ای از نابرابری و بی‌عدالتی توجه نشان می‌دهند.

- جنبش‌های رستگاری‌بخش که درصد نجات افراد از شیوه‌های زندگی هستند که فاسدکننده پنداشته می‌شود؛ مانند جنبش‌های مذهبی.

- جنبش‌های تغییردهنده که در پی تغییر جزئی در افراد هستند و می‌خواهند ویژگی‌های معینی را تغییر دهند (گیدنز، ۱۳۷۴: ۶۷۳).

در عین حال تیلی (۱۳۸۵)، جنبش را حاصل ترکیب سه عنصر می‌داند:

- پویش: پویش و تعامل میان سه طرف؛ مدعیان خودخواه، برخی از اهداف ادعا و نوعی از جمعیت.

- به‌کارگیری یکی از اشکال کنش سیاسی: ایجاد انجمن‌ها، ائتلاف‌های دارای مقاصد خاص، میتینگ‌های عمومی، شب‌زنده‌داری‌ها و

- نمایش هماهنگ و عمومی ارزشمند: مانند حضور اشخاص مهم، وحدت، تعهد از سوی شرکت‌کنندگان و

به نظر تیلی در مقایسه با جنبش‌های قبل از سده نوزدهم، جنبش‌هایی که امروز با

آنها آشنا هستیم، در جهت ایجاد تغییرات مؤثر از طریق دولت-ملت به طرز بی سابقه‌ای سازمان‌دهی و جهت‌دهی شده‌اند. در حقیقت او چنین جنبش‌هایی را «جنبش‌های ملی» می‌نامد و آنها را از جنبش‌های کمتر سازمان‌یافته، محلی‌تر و دفاعی‌تر متمایز می‌کند (فیوضات و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۱).

دیوید آبرل بیان می‌دارد که با در نظر گرفتن آنچه جنبش به دنبال تغییر آن است و میزان تحول آن، چهار نوع جنبش اجتماعی را می‌توان شناسایی کرد: جنبش‌های اجتماعی بدیل، جنبش‌های رستگاری، جنبش‌های اصلاحی و جنبش‌های انقلابی. جنبش‌های اجتماعی بدیل معمولاً بر بهبود و تغییرات محدود و خاص در باورها و رفتار فردی متمرکزند. جنبش‌های رستگاری که گاهی جنبش‌های مذهبی نیز نامیده می‌شوند، «معناجو» هستند و هدفشان برانگیختن تغییر درونی یا رشد معنوی در افراد است. جنبش‌های اجتماعی اصلاح‌کننده به دنبال تغییرات موردی و محدود در ساختار اجتماعی و البته با هدف اصلاح کل جامعه‌اند. در جنبش‌های انقلابی نیز هدف، تغییر کامل و همه‌جانبه جامعه است (Sovacool, 2022: 18).

بلومر و تیلی نیز با بررسی چرخه حیات جنبش‌های اجتماعی، یعنی چگونگی ظهور، رشد و در برخی موارد از بین رفتن آنها، یک فرآیند چهار مرحله‌ای را ترسیم کردند که از طریق آن سیر توسعه و افول جنبش‌های اجتماعی را نشان می‌دهند:

در مرحله مقدماتی، مردم از یک موضوع آگاه می‌شوند و رهبران ظهور می‌کنند. به دنبال آن مرحله ادغام می‌آید که افراد با هم متحد می‌شوند و سازمان‌دهی برای عمومی کردن موضوع و افزایش آگاهی اتفاق می‌افتد. در مرحله نهادینه‌سازی، جنبش دیگر به داوطلبی مردمی نیازی ندارد و به یک سازمان مستقر تبدیل شده است و معمولاً کارکنان حقوق‌بگیر دارد. وقتی مردم از هواخواهی جنبش دور می‌شوند و جنبش جدیدی را پی می‌گیرند، جنبش یا در تغییری که به دنبالش بوده است، موفق شده است و یا مردم دیگر موضوع را جدی نمی‌گیرند. در این حالت، جنبش در مرحله افول قرار می‌گیرد (Press, 2011: 16-20).

نظریه خشونت علیه زنان

در زمینه نظریه خشونت علیه زنان از نظریه هالدر و جیشانکار (۲۰۱۰) در این تحقیق سود برده شده است. ویژگی این نظریه، تطبیق خشونت علیه زنان در فضای

مجازی است که درباره انواع بزه‌دیدگی زنان در فضای مجازی بر اساس سبک زندگی و فعالیت روزمره و بزه‌دیدگی سایبری تحقیق کرده است. در این نظریه، سه نوع از جرایم غیر جنسی، جرایم جنسی و جرائم هنجارشکنانه به کمک فضای مجازی و سایبری بررسی شده است.

در زمینه جرائم غیر جنسی به جرائم تبعیضی/ تنفیری مبتنی بر تبعیض و نفرت، صدمات عاطفی و روحی و جرائم مرتبط با هتک تأکید شده است. در زمینه جرائم جنسی به هرزگی، هرزه‌نگاری اجباری، هتک حرمت جنسی رایانه‌ای، جرائم مرتبط با نفوذگری تأکید شده است. در زمینه جرائم هنجارشکنانه به کمک فضای سایبری به معاونت در خودکشی یا تحریک به آن، تجاوز به حریم خصوصی به صورت برون خط به کمک فضای سایبری، آسیب فیزیکی برون خط به کمک فضای سایبری، تجاوز به عنف به کمک فضای سایبری و قتل به کمک فضای سایبری تأکید شده است (هالدر و جیشانکار، ۱۳۹۳: ۵۲).

در زمینه سبک زندگی نیز نظریه فقدان حفاظت درباره خوشونت علیه زنان مدنظر است که طبق آن در فضای سایبر، گروه‌های مجرمان با انگیزه می‌توانند اهداف مناسبی را از کاربرانی که به اینترنت وصل هستند پیدا کنند (Yar, 2005: 417). محیط سایبر نیز به سبب قابل رؤیت و در دسترس بودن سبب شده است تا بزهکاران بتوانند در هر نقطه‌ای از جهان ارتکاب جرم علیه آنها انجام دهند. و با سه عامل مجرم تحریک‌شده، هدف مناسب و فقدان محافظان توانا علیه زنان، خوشونت‌های سایبری انجام دهند.

روش تحقیق

در این پژوهش برای پاسخ به پرسش اصلی پژوهش لازم است به توصیف و تفسیر محتوایی که شبکه‌های اجتماعی نظیر توئیتر به اشتراک گذاشته‌اند، پرداخته شود. بنابراین با استفاده از روش تحلیل مضمون یا تحلیل محتوای تماتیک^۱ برای دستیابی، کدگذاری و مقوله‌بندی یافته‌ها و در راستای رسیدن به اهداف مورد نظر پژوهش استفاده شد، به این صورت که مهم‌ترین موضوعات مرتبط با خوشونت علیه زنان در ایران

در توئیت‌های سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ تحلیل شد.

حجم نمونه‌ها از توئیت‌ها بر اساس رسیدن به اشباع نظری برای در بر گرفتن تمام گفتمان کمپین‌ها و هشتگ‌های مرتبط با خشونت علیه زنان بوده است. به همین منظور برای کمپین و هشتگ «مادری بدون فیلتر» ۴۶ توئیت، برای کمپین و هشتگ «رومینا اشرفی» ۱۰ توئیت، برای کمپین و هشتگ «چندهمسری و مثل خواهر» ۹ توئیت، برای کمپین و هشتگ «دختران خیابان انقلاب» ۴۹ توئیت، برای کمپین و هشتگ «حق بر بدن» ۱۸ توئیت، برای کمپین و هشتگ «شروط ضمن عقد» ۳۰ توئیت، برای کمپین و هشتگ «سکوت مشترک من هم» ۱۶ توئیت، برای کمپین و هشتگ «بهداشت قاعدگی» ۲۰ توئیت، برای کمپین و هشتگ «خشونت خانگی» ۲۴ توئیت، برای کمپین و هشتگ «کودک‌همسری» ۳۰ توئیت و برای کمپین و هشتگ «فرهنگ تجاوز» ۲۵ توئیت انتخاب شد.

ابزار گردآوری برای توئیت‌های مرتبط با خشونت علیه زنان در سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰، براساس جست‌وجوی هشتگ‌ها و (کارزارها) کمپین‌های شکل گرفته در دوره مدنظر است، در این زمینه جست‌وجویی هدفمند برای گردآوری داده‌ها انجام پذیرفت و از آنجا که خود توئیت بر اساس کمیته ریتوئیت‌ها و میزان لایک‌ها و بازنشرها، پست‌ها را طبقه‌بندی می‌کند، ملاک رسیدن به اشباع نظری برای دسته‌بندی و کدگذاری داده‌ها از طریق ابزار گردآوری داده‌ها بوده است. بنابراین با استفاده از امکانی که فضای کاربری توئیت در اختیار می‌گذارد، کمپین‌های مهم در این دوره‌ها جست‌وجو شدند و بر اساس تعداد لایک‌ها و ریتوئیت‌ها، توئیت‌ها برای تحلیل مضمون انتخاب شدند. برای پاسخ به پرسش‌های اصلی پژوهش، داده‌های جمع‌آوری شده از توئیت‌ها توصیف و تفسیر محتوا شدند. بنابراین از روش تحلیل مضمون یا تحلیل محتوای تماتیک برای دستیابی، کدگذاری و مقوله‌بندی یافته‌ها و در راستای رسیدن به اهداف مورد نظر پژوهش استفاده شد، به این صورت که مهم‌ترین موضوعات مرتبط با خشونت علیه زنان در ایران در توئیت‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ مدنظر قرار گرفت و در مراحل گزارش شده در تحلیل محتوای تماتیک داده‌ها تجزیه و تحلیل شدند.

جدول ۱- محتوای تماتیک داده‌ها

ریتوئیت‌ها	توئیت‌ها	سال	کمپین‌ها
۳۴۸۵	۴۹	۱۳۹۶	دختران خیابان انقلاب
۱۵۴۲	۲۴	۱۳۹۶	خشونت خانگی
۸۵۰	۱۶	۱۳۹۷	سکوت مشترک من هم
۱۷۸۲	۳۰	۱۳۹۷	کودک‌همسری
۳۰۲۱	۴۶	۱۳۹۸	مادر بدون فیلتر
۷۸	۹	۱۳۹۸	چندهمسری و مثل خواهر
۷۸۵۸	۱۰	۱۳۹۹	قتل رومینا اشرفی
۷۸۴	۳۰	۱۳۹۹	شروط ضمن عقد
۴۸۷	۲۰	۱۳۹۹	بهداشت قاعدگی
۸۶	۲۵	۱۳۹۹	فرهنگ تجاوز
۷۱	۱۸	۱۴۰۰	حق بر بدن

از نظر تعداد و کثرت توئیت‌ها در سال‌های مورد مطالعه در سال ۱۳۹۹ در مجموع ۸۵ توئیت ضمن بحث خشونت علیه زنان انتشار یافت که بازنشر آنها نیز بیش از دیگر سال‌ها بوده است. کمترین تعداد توئیت نیز در سال ۱۴۰۰ و کارزار حق بر بدن با ۱۸ توئیت بوده است.

تحلیل داده‌ها

مقوله‌بندی داده‌های توئیت‌ر کمپین‌های مرتبط با خشونت علیه زنان

برای این بخش یازده کمپین برای تحلیل مضمون درباره انواع خشونت علیه زنان شناسایی شد که در جدول زیر، نوع تأکید بر انواع خشونت در این کمپین‌ها ارائه و سپس مضامین آنها بر اساس شبکه مضامین تبیین می‌شود.

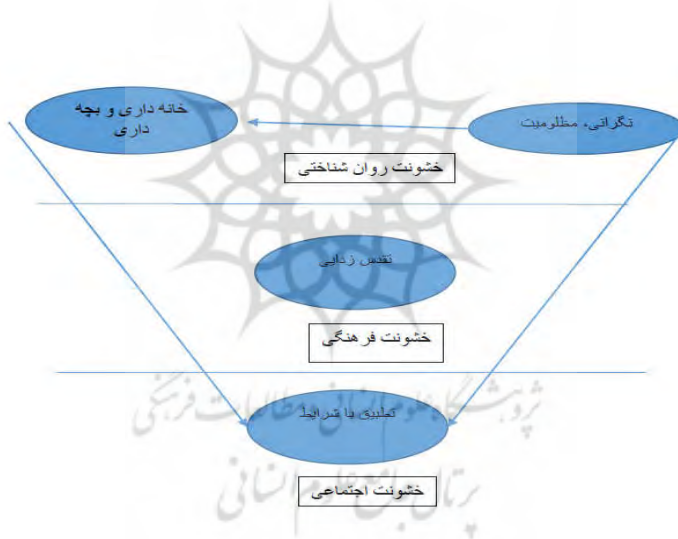
جدول ۲- تحلیل انواع خشونت ها در مضامین کمپین ها

نوع خشونت	مضامین	کمپین ها
خشونت روان شناختی	نگرانی، مظلومیت و خانه داری و بچه داری	مادری بدون فیلتر
خشونت اجتماعی	تطبیق با شرایط	
خشونت فرهنگی	تقدس زدایی	
خشونت جسمی	خشونت پدران، قتل، سوءاستفاده کردن از بی تجربگی	رومینا اشرفی
خشونت سیاسی	خشونت قوانین	چندهمسری و مثل خواهر
خشونت سیاسی	خشونت ایدئولوژی	
خشونت جنسی	جنسی دیدن زن	دختران خیابان انقلاب
خشونت اجتماعی	اجبار، ممانعت از حقوق اولیه، ترس از حمایت طلبی	
خشونت سیاسی	گرفتن حق، تضییع حق، حق پیشرفت	شروط ضمن عقد
خشونت سیاسی	خشونت ایدئولوژی	
خشونت جنسی	جنسی دیدن زن	بهداشت قاعدگی
خشونت روانی	خشونت برای ناتوانی در اظهار، خشونت در تحقیر جنسیتی	
خشونت روانی	خشونت در جهت اظهار خشونت، خشونت برای مطالبه حمایت و خشونت برای افشا کردن	سکوت مشترک من هم
خشونت روانی	خشونت حق انتخاب و حق سقط جنین	حق بر بدن
خشونت اجتماعی و سیاسی	خشونت قانونی، خشونت در حق افشا، خشونت سنت	خشونت خانگی
خشونت اجتماعی و سیاسی	خشونت قانونی، آسیب اجتماعی، جنایت	کودک همسری
خشونت روانی	تحقیر جنسیتی	فرهنگ تجاوز
خشونت جسمی	جنایت جنسی	
خشونت جنسی	حق افشا، حق افشا و فرهنگ سازی	

مادری بدون فیلتر: طبق آنچه مقوله‌بندی توئیتر از هشتگ‌های مرتبط با خشونت اجتماعی نشان داد، تأکید توئیتهای تقدس‌زدایی از جایگاه مادر در شکل سنتی آن و برجسته کردن مظلومیت مادر و نگرانی و همچنین بُعد تعریف‌شده خانه‌داری و بچه‌داری برای مادر بود. تأکید مقوله‌های شکل‌گرفته در توئیتر به نوعی مخالفت و انتقاد ساختاری با موضوع مادرانگی در سنت است.

نمونه توئیتهای

- تقدس‌زدایی از مادر باعث میشه این حرف‌ها نگفته نمونه که یک زن بعد از بچه‌دار شدن فقط یک مادر نیست، هنوز یک زنه. البته که برای خیلیا قابل درک نیست.
- بابا پاشو کارکن یاد بگیری تا اگر مامان مُرد، بلد باشی کارهای من و آبجی رو انجام بدی.

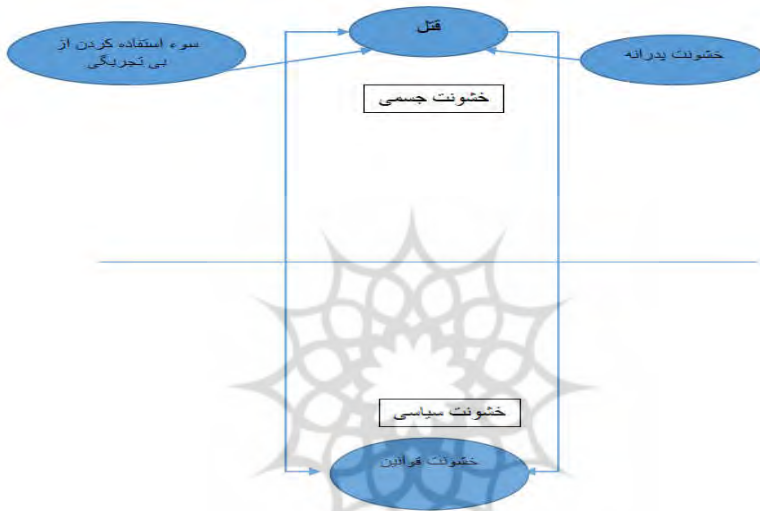


شکل ۱- نمودار شبکه مضامین کمپین «مادری بدون فیلتر» در توئیتر

در کمپین مرتبط با «رومینا اشرفی»، مقوله‌هایی که در هشتگ‌های توئیتر شکل گرفت به تأکید بر خشونت سیاسی نظیر خشونت قانونی به عنوان امر رابطه میان خشونت جسمی و فرهنگی تأکید شده است. در مقوله‌های به‌دست‌آمده از توئیتر خشونت فرهنگی مانند خشونت ایدئولوژیک در بستر خشونت سیاسی نظیر خشونت قانونی فراهم‌آورنده خشونت جسمی علیه زنان می‌شود. در این کمپین، نتایج و آثار خشونت سیاسی همان خشونت جسمی برای زنان است.

نمونه توثیث‌ها:

- رومینا رو پدرش نکشت؛ رومینا قربانی قوانین کهنه و پدرسالار ما شد.
- رومینا اشرفی، فرزند ایران، قربانی جهل و خرافه‌پرستی و توهم. رومینا اشرفی قربانی آبرو.

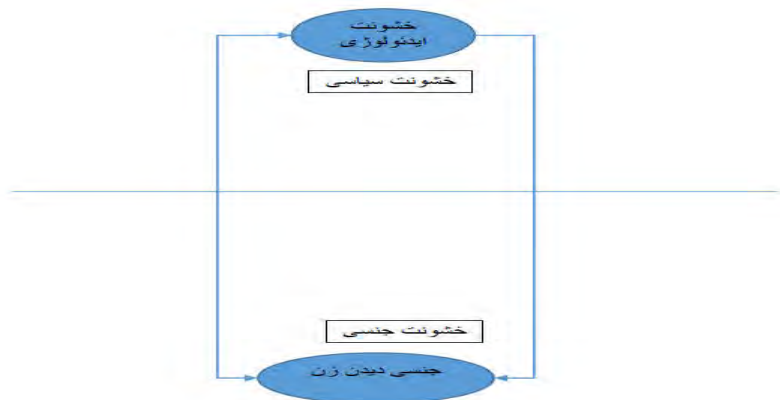


شکل ۲- نمودار شبکه مضامین هشتگ «رومینا اشرفی» در توییتر

در مقوله‌های شکل گرفته کمپین «چندهمسری» و «مثل خواهر» در توییتر، مقوله‌ها به سمت رابطه دوسویه خشونت سیاسی و خشونت جنسی بوده است که در این مقوله‌ها، خشونت ایدئولوژیک و خشونت جنسی دیدن زن، سبب پدید آمدن خشونت علیه زنان بوده است.

نمونه توثیث‌ها:

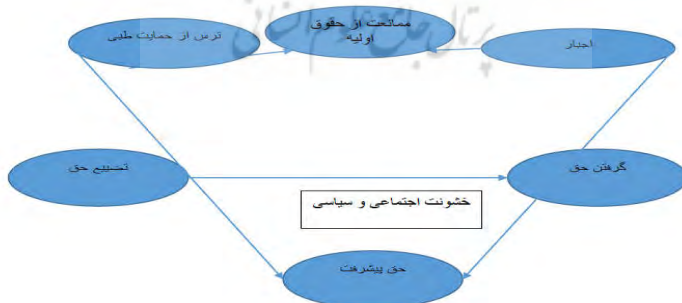
- چندهمسری: زن اسباب‌بازی جنسی و ماشین تولیدمثل، مرد دستگاه خودپردازبانک. زن و مرد اما هر دو قربانی.
- با هیشکی دوست معمولی نبوده، همه رو گرفته.



شکل ۳- نمودار شبکه مضامین کمپین «چندهمسری» و «مثل خواهر» در توئیتر

مقوله‌های شکل گرفته برای کمپین «دختران خیابان انقلاب» در توئیتر با مقوله‌های تضييع حق و گرفتن حق نوعی کمپین فعال برای مشارکت عینی شکل می‌گیرد و موضوع ترس از حمایت‌طلبی هم در آن به عنوان خشونت اجتماعی مطرح می‌شود. نمونه توئیتهای:

- کمترین حقی که می‌شود برای یک زن قائل شد، انتخاب نوع حجاب است.
- من دیشب داشتم بهش فکر می‌کردم. یه سری رفتند عملیش کردند. بابا درود به شرفتون.

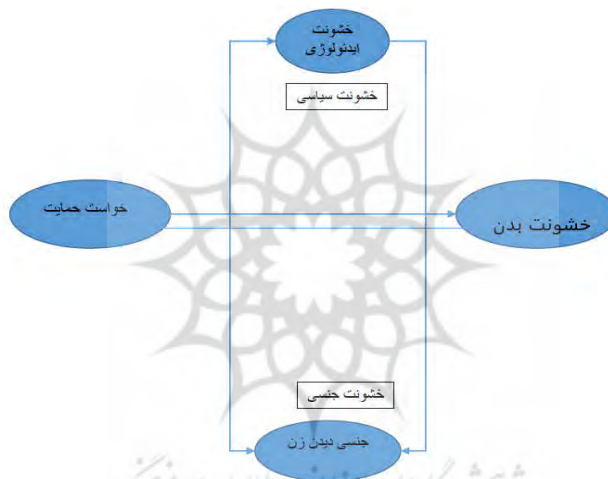


شکل ۴- نمودار شبکه مضامین کمپین «دختران خیابان انقلاب» در توئیتر

در مقوله‌های شکل‌گرفته در کمپین «حق بر بدن» در توئیتر این رویه دیده می‌شود که طبق آن، خشونت از نوع خشونت روانی است و مقوله‌های آن خشونت، حق انتخاب و حق سقط جنین است.

نمونه توئیتهای:

- کسی که به من می‌گوید چگونه بپوش، همان کسی است که به من خواهد گفت چگونه بیندیش!
- انسان‌ها در انتخاب‌های مرتبط با بدن خودشان آزادند!

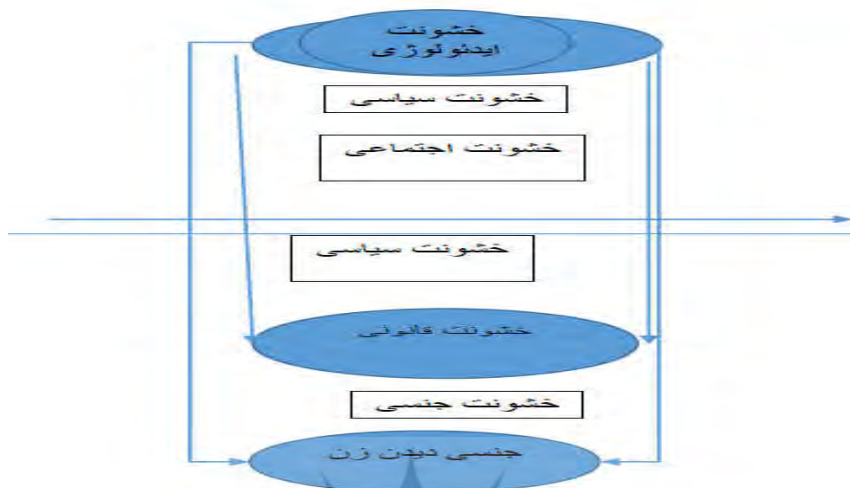


شکل ۵- نمودار شبکه مضامین کمپین «حق بر بدن»

در مقوله‌های شکل‌گرفته ضمن کمپین «شروط ضمن عقد» در توئیتر، بر خشونت اجتماعی با مبحث خشونت برای خواست حمایت نیز تأکید شده است.

نمونه توئیتهای:

- به جای تلاش برای تعیین مهریه‌های میلیاردی که این روزها ضمانت اجرا هم ندارد، شروط -ضمن- عقد را جدی بگیرید.
- جرم: آگاهی دادن به زنان راجع به حقوق اولیه و انسانی‌شان در ازدواج.



شکل ۶- نمودار شبکه مضامین کمپین «شروط ضمن عقد» در توئیتر

در مقوله‌هایی که در توئیتر برای جهت‌دهی کمپین «بهداشت قاعدگی» آمده، تأکید بر خشونت روانی است که در آن خشونت در تحقیر جنسیتی و خشونت برای ناتوانی در اظهار بوده است.

نمونه توئیتهای:

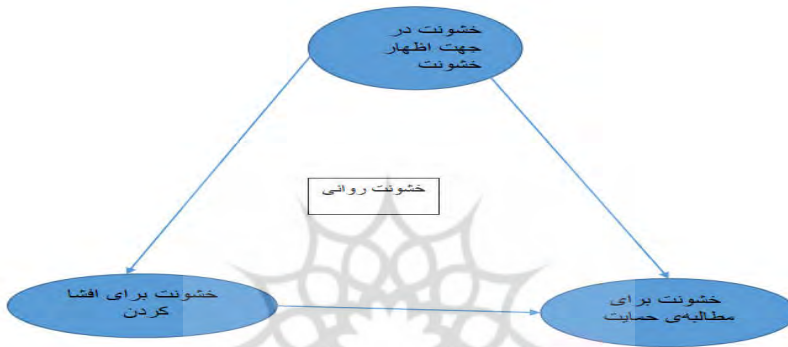
- من واقعاً کلافه شدم. تهران، مرکز شهر داروخونه دیدین تامپون بفروشه؟ هر جا میرم/ زنگ میزنم ندارن.
- ولی اگه مردام پر یود می‌شدن، مطمئنم پر یود اینقدر تابو نبود و تازه هر کی پر یودش بیشتر بود، افتخارشم بیشتر بود.



شکل ۷- نمودار شبکه مضامین کمپین «بهداشت قاعدگی» در توئیتر

در مقوله‌هایی از کمپین «سکوت مشترک من هم» در توئیتر، بحث اظهار کردن با موضوع افشا کردن خشونت‌های روانی صورت گرفته نیز مدنظر بوده است.
نمونه توئیتهای:

- رازی رو یازده ساله در سینه دارم و هنوز کابوس شب‌های من است.
- از تجربیات تلخ خودمون بگیم بدون ترس تا آگاهی در مورد موضوع.

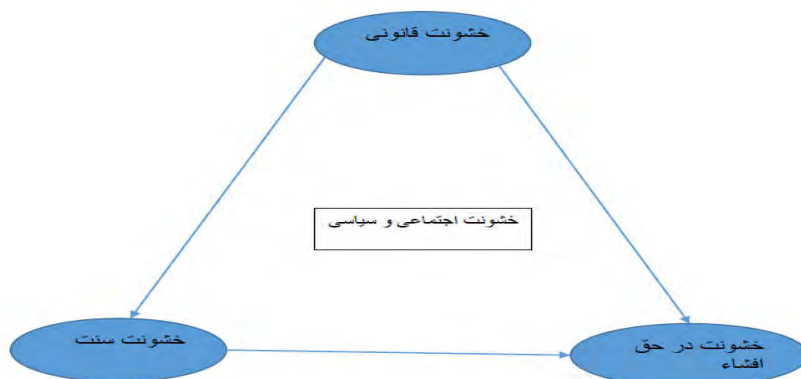


شکل ۸- نمودار شبکه مضامین کمپین «سکوت مشترک من هم» در توئیتر

در مقوله‌هایی که درباره کمپین «خشونت خانگی» در توئیتر است، این موضوع به خشونت سیاسی- اجتماعی و مقوله‌های آن پرداخته است که شامل خشونت قانونی و سنت در جهت خشونت در حق افشاست.

نمونه توئیتهای

- اگه تحت ضرب و شتم قرار گرفتید، حتماً باید با اورژانس تماس بگیرید چون فقط گزارش اورژانس حکم شاهد رو داره. در غیر این صورت وقتی شکایت می‌کنید، به دلیل نداشتن دو شاهد مرد، ضارب تبرئه میشه. حتی اگه نامه پزشکی قانونی و عکس و مدرک داشته باشید.

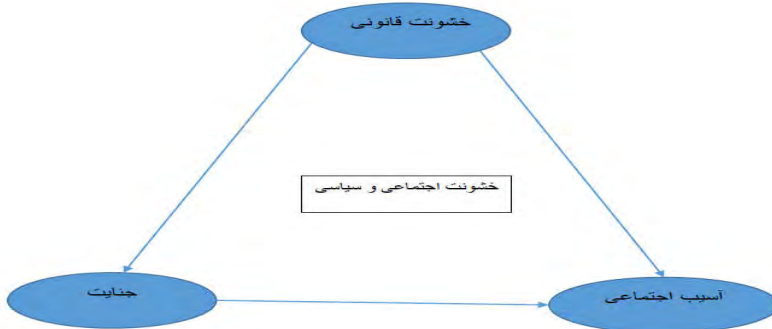


شکل ۹- نمودار شبکه مضامین کمپین «خشونت خانگی» در توئیتر

در مقوله‌هایی که درباره کمپین «کودک‌همسری» در توئیتر است، این موضوع به خشونت سیاسی- اجتماعی و مقوله‌های آن پرداخته است که شامل خشونت قانونی و آسیب اجتماعی در جهت خشونت جنایت است.

نمونه توئیتهای:

- یکی از مهم‌ترین زمینه‌های نابرابری جنسیتی و گسترش خشونت خانگی، نگاه فقهی به قوانین مربوطه است.
- اگه خودتون یا اطرافیانتون در معرض خطر هستین، می‌تونین با شماره ۱۲۳ اورژانس- اجتماعی تماس بگیرین.
- کودک- همسری نام دیگری است برای تجاوز به دختران خردسال. در جهان متمدن، اینگونه متجاوزان را مجرم و روان نژند می‌دانند و محتاج حصر و درمان. در ایران، منادیان این تجاوز، بیماری خود را عین عقل و سلامت می‌خوانند. شرم

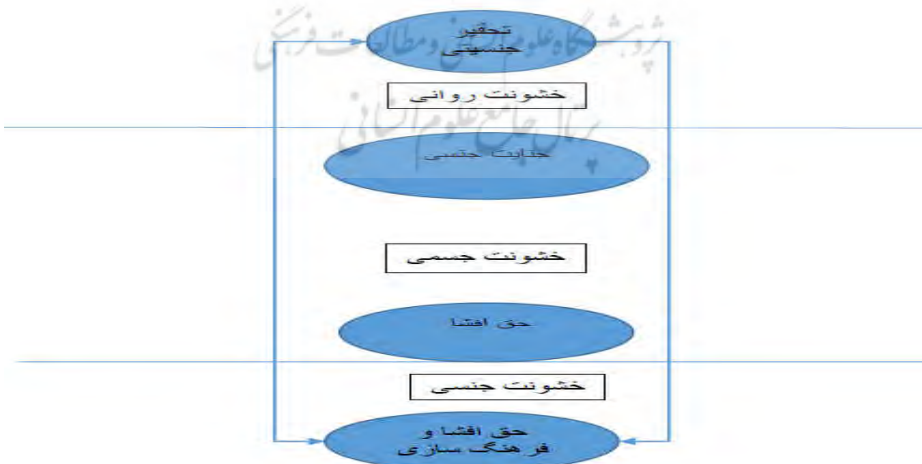


شکل ۱۰- نمودار شبکه مضامین کمپین «کودک همسری» در توئیتر

در مقوله‌هایی که بر اساس مضامین در توئیتر برای کمپین «فرهنگ تجاوز» شکل گرفته، به خشونت جنسی، جسمی و روانی تأکید شده است که بر اساس آن، حق افشای جنایت و تحقیر جنسی در این کمپین مقوله‌سازی شده است و به موضوع حق افشا نیز تأکید شده است.

نمونه توئیٹ

- در اکثر مواقع قربانی انتخاب نشده و صرفاً در موقعیت قرار گرفته و با آزارگر برخورد داشته.



شکل ۱۱- شبکه مضامین کمپین «فرهنگ تجاوز» در توئیتر

تفسیر و استنباط داده‌های گردآوری‌شده برای پرسش پژوهش

تحلیل مضمون توئیت‌ها در قالب خشونت‌های جنسی، روانی، جسمی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی علیه زنان در توئیت‌ها نشان داد که در توئیت‌ها کمپین‌ها بر اساس نشان دادن رویه سیاسی و تأکید بر آن، نوعی از کمپین‌ها را مقوله سازی می‌کنند که باز نمود اجتماعی و عینی در جامعه به‌مثابه اعتراضات و فعالیت مدنی فعال باشند. تحلیل مضمون توئیت‌ها نشان داد که به غیر از کمپین «مادری بدون فیلتر» که برخلاف نگرش به خشونت علیه زنان در جهت اشاعه کلیشه‌های جنسیتی بود، در باقی کمپین‌ها مقوله «آگاهی جنسیتی» و خشونت جنسی علیه زنان مدنظر بوده و در آنها تبیین معضل یعنی نابرابری جنسیتی و مکانیسم احقاق حق آن به صورت ابراز و حمایت از فعالان بوده است. در این زمینه فعالان حوزه زنان و همچنین کاربران زن بر اساس امکاناتی که شبکه‌های اجتماعی به آنها داده است توانسته‌اند موضوعات خشونت به‌مثابه نابرابری را که ریشه در قانون، فرهنگ و سنت دارد، شناسایی و بیان کنند.

کمپین‌ها و هشتگ‌ها بر اساس قالب بیان و افشای معضل، حمایت از آسیب‌دیدگان و فعالان و نقد رویکرد غالب توانسته‌اند خواسته‌های عاملان و فعالان را -هرچند دارای جهت‌دهی باشند- به میان مردم سوق دهند. در این زمینه مهم‌ترین و موفق‌ترین این کمپین‌ها از نظر تعداد توئیت، لایک و ریتوئیت، کمپین «دختران خیابان انقلاب» بود که در آن خشونت اجتماعی و سیاسی علیه زنان به مشارکت عینی و فیزیکی مردم از کمپین انجامید.

در کمپین «مادری بدون فیلتر» نشان داده شد که اعم توئیت‌های این کمپین به جای تبیین خشونت فرهنگی برای تقدس‌زدایی از نقش زن به عنوان مادر، در جهت کلیشه‌های جنسیتی نظیر نگرش به مادر به عنوان موجودی نگران، مظلوم، مسئول بچه و خانه، عشق به فرزند و مراقبت بوده است که خشونت روان‌شناختی را مدنظر قرار داده است. در بخش دیگر این کمپین که توجه به تقدس‌زدایی از نقش زن به عنوان مادر مدنظر بوده است، بر تطبیق با شرایط دشوار زن به عنوان مادر تکیه شده و بیان و اظهار آنها و همچنین بحث تعارض نداشتن مادر و اشتغال زن مطرح شده است. اما با این احوال، با سمت و سویی که موضوع پیشرفت با تحصیل مترداف شده، این موضوع نیز در

رابطه با خشونت جنسیتی ناتوانی زن در پیشرفت تحصیلی مدنظر توثیت‌ها واقع شده است. به طور کلی آثار اجتماعی این کمپین را می‌توان در بخش تقدس‌زدایی در بحث خشونت اجتماعی و نگرش‌های آن و مباحث مرتبط با تطبیق با شرایط را مرتبط با خشونت روان‌شناختی تشخیص داد.

تحلیل مضمون کمپین «دختران خیابان انقلاب» بر اساس مقوله‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که اعم توثیت‌های این کمپین، تبیین خشونت اجتماعی و سیاسی و در مقوله‌های حق انتخاب، گرفتن حق، مطالبه حمایت، تضييع حق، حق اعتراض و حق پیشرفت خلاصه می‌شود. بر اساس رویکرد رادیکال فمینیستی، مبارزه بر اساس نشان دادن پایمال شدن حق که این موضوع در مقوله تضييع حق بیان شده است و سپس اثبات حق است که در مقوله‌های «خشونت اجبار»، «ممانعت از حقوق اولیه»، «ترس از حمایت»، «تضييع حق»، «حق اعتراض» و «حق پیشرفت» است. پشتوانه حرکت کمپین نیز در مطالبه حمایت از عامل‌ها کسب می‌شود. نوع ساختار صحیح اشباع توثیت‌ها در این مقوله نشان می‌دهد که این کمپین به لحاظ مضمون و ساختار برای بیان خشونت اجتماعی و سیاسی موفق بوده است.

تحلیل مضمون کمپین «حق بر بدن» بر اساس مقوله‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که ساختار مضمونی توثیت‌های این کمپین در دو مقوله حق انتخاب و مطالبه حمایت خلاصه می‌شود. یعنی سازمان‌دهی شکل خشونت روان‌شناختی در این کمپین به شکل بیان موقعیت‌های مرتبط با حق بر بدن نظیر حق سقط جنین و حق انتخاب در قالب موضوعاتی نظیر واکسیناسیون است و پشتوانه این کمپین نیز مطالبه حمایت از افرادی است که در این زنجیره هستند و این موضوع با آگاهی‌بخشی درباره امور یا حمایت از فعالان و بایکوت مخالفان صورت می‌گیرد.

تحلیل مضمون کمپین «شروط ضمن عقد» بر اساس مقوله‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که این کمپین با در نظر گرفتن موضوع نابرابری جنسیتی که به طور قانونی نهادینه شده، با بیان این نابرابری در شکل قانونی به بیان حق قانونی در این باره تأکید و سپس با عنوان کردن معضلات فعالان در این کمپین و تضادی که قانون با احقاق حقوق زنان دارد، سعی در جلب حمایت برای آن می‌کند.

تحلیل مضمون کمپین «سکوت مشترک من هم»، بر اساس موضوعات و مقوله‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که این کمپین بر محور آگاهی‌بخشی جنسیتی از مقوله‌های حق اظهار، حق افشا و مطالبه حمایت استفاده کرده است. در این کمپین صرفاً آگاهی‌بخشی مدنظر نبوده و به دلیل استفاده از مقوله افشا، این کمپین به مشارکت عینی تبدیل شده که در مواردی سبب محاکمه عینی متجاوزان و مشارکت افشاکنندگان شده است.

تحلیل مضمون کمپین «بهداشت قاعدگی»، بر اساس موضوعات و مقوله‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که این کمپین بر محور آگاهی‌بخشی جنسیتی از مقوله‌های حق اظهار و تحقیر جنسیتی استفاده کرده است. مکانیسم این کمپین با استفاده از روایت‌های تحقیر جنسیتی در زمینه بهداشت قاعدگی برای مشارکت بیشتر و هم‌دردی جامعه با حق اظهار برای عبور از این کلیشه جنسیتی است.

تحلیل مضمون کمپین «خشونت خانگی» بر اساس موضوعات و مقوله‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که این کمپین بر محور آگاهی‌بخشی جنسیتی از مقوله‌های حق اظهار، خشونت قانونی و خشونت سنتی استفاده کرده است. مکانیسم این کمپین، نشان دادن روایت‌های خشونت‌هایی است که جامعهٔ مردسالار به شکل قانونی، سنتی و در چهارچوب خانه بر زنان وارد داشته است. در این زمینه تنها شکل مبارزه حق اظهار این خشونت‌ها برای آگاهی‌بخشی جنسیتی مدنظر بوده است.

تحلیل مضمون کمپین «کودک‌همسری» بر اساس موضوعات و مقوله‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که این کمپین بر محور آگاهی‌بخشی جنسیتی از مقوله‌های خشونت قانونی، جنایت و آسیب اجتماعی استفاده کرده است. مکانیسم این کمپین برای آگاهی‌بخشی جنسیتی روایت کودک‌همسری در دو شکل جنایت و آسیب اجتماعی بوده است. این دو شکل بیش از آنکه در رابطه با آگاهی فردی کارکرد داشته باشند، در مسیر تغییر یا اصلاح قانون و خشونت‌های هستند که از فقدان قانون در این زمینه پدید آمده است.

تحلیل مضمون کمپین «فرهنگ تجاوز»، بر اساس موضوعات و مقوله‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که این کمپین بر محور آگاهی‌بخشی جنسیتی از مقوله‌های

تحقیر جنسیتی، جنایت جنسی، حق افشا و فرهنگ‌سازی استفاده کرده است. در این کمپین، روال کامل‌تری شکل گرفته است و با بیان دلایل شکل‌گیری کمپین که تحقیر جنسیتی و ضرورت آن که جنایت جنسی است، بحث حق افشا مطرح شده و سپس درباره این موضوع فرهنگ‌سازی نیز صورت گرفته است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس آنچه از تحلیل مضمون و شبکه مضامین کمپین‌ها و هشتگ‌های مهم توئیتر درباره خشونت علیه زنان به دست داده شد، مهم‌ترین مضامین درباره خشونت اجتماعی و سیاسی علیه زنان است. این موضوع همگام با نظریه هالدر و جیشانکار (۲۰۱۰) است که طبق آن مهم‌ترین بحث درباره خشونت علیه زنان، فقدان حفاظت است. البته در این تحقیق، این موضوع حفاظت از طریق بنیادهای کلان اجتماعی و سیاسی مدنظر واقع شد که طبق آن، عدم مطابقت سبک زندگی و خط‌مشی کلان اجتماعی و سیاسی سبب بروز خشونت علیه زنان در جامعه شده است.

بنابراین این موضوع طبق نظر یار (۲۰۰۵)، اهداف مناسبی برای پدید آمدن رواج خشونت علیه زنان در فضای سایبری شده است. این مطلب مخالف با تحقیق کریمی (۲۰۱۴) و قیطانچی و همکاران (۲۰۱۵) است که طبق آن پدید آمدن آزادی در فضای مجازی را به دور از تحمیلات فضای مردسالار واقعی می‌داند.

از این‌رو که بحث خشونت علیه زنان، موضوعی است که جامعه ایران به آن حساس است، بنابراین لازم است که مباحثی که متخصصان حوزه‌های مختلف نظیر متخصصان دینی، پژوهشگران اجتماعی و سیاسی، روان‌شناسان و دیگر نهادها مطرح کرده‌اند، به صورت واضح توضیح داده شود. در این صورت توئیتهای و پست‌های اینستاگرامی به جای اینکه سبب بروز ناآرامی‌ها شوند، سبب پیشرفت مشارکت اجتماعی زنان خواهند بود.

منابع

- آقابیکولی، عباس و کامران آقاخانی (۱۳۸۶) «بررسی پدیده همسرآزاری در شهر تهران در سال ۱۳۷۹»، مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران، آگه.
- اعزاز، شهلا (۱۳۸۳) «ساختار جامعه و خوشونت علیه زنان»، نشریه تخصصی رفاه اجتماعی، شماره ۱۴، صص ۵۹-۹۶.
- ابوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران، نشرنی.
- رحیمی، پریا (۱۳۹۷) مطالعه الگوهای فعالیت‌های سایبری اکتیویست‌های حوزه زنان و نسبت آن با اکتیویسم در فضای واقعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما عبدالله بیچرانلو، رشته ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- رهبری، مهدی (۱۳۹۳) جنبش‌های اجتماعی: کلاسیک، مدرن، پست مدرن، تهران، کویر.
- سازمان جهانی بهداشت (۱۳۸۰) خوشونت علیه زنان، ترجمه شهرام رفیعی فر و سعید پارسی‌نیا، تهران، تندیس.
- صفایی‌نژاد، قاسم (۱۳۹۵) «جریان‌سازی در فضای مجازی؛ با تأکید بر رسانه‌های اجتماعی»، ماهنامه مدیریت رسانه، شماره ۲۶، صص ۱۵-۳۴.
- علاسوند، فریبا (۱۳۹۲) زن در اسلام، ج ۲، تهران، مرکز هاجر.
- فرنج، مارلین (۱۳۷۳) روان‌شناختی خوشونت در خانواده؛ زنان کتک‌خورده، ترجمه مهدی قرچه‌داغی، تهران، علمی.
- فیوضات، ابراهیم و رضا تسلیمی تهرانی و علی دادگر (۱۳۸۸) گاندی عدم خوشونت و جنبش‌های اجتماعی، مجله جامعه‌شناسی ایران، سال دهم شماره ۳ (پیاپی ۲۷، پاییز ۱۳۸۸)، صص ۱۴۱-۱۶۰.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳) قدرت ارتباطات، ترجمه حسین بصیریان جهرمی، تهران، علمی و فرهنگی.
- کوهن، جین ال (۱۳۸۶) فهم و مطالعه جنبش‌های اجتماعی جدید/جین کوهن... [و دیگران]، مترجم علی حاجلی، تهران، جامعه و فرهنگ.
- گشنیزجانی، گلنار (۱۳۹۵) تیپولوژی بدن رسانه‌ای و تحلیل کردارهای بدنی کاربران شبکه اجتماعی اینستاگرام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته ارتباطات، استاد راهنما اعظم راودراد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران، نشرنی.
- معمودی مهر، مهدی (۱۳۸۰) حمایت از زنان در برابر خوشونت سیاسی جنایی انگلستان، تهران، برگ زیتون.
- هالدر، دباراتی و کی جیشانکار (۱۳۹۳) جرائم رایانه‌ای و بزه‌دیدگی زنان (قانون‌ها، حق‌ها و مقررات‌ها) ترجمه مهرداد رایجیان اصلی و حسین محمد کوره‌پز، تهران، مجد.
- همتی، رضا (۱۳۸۳) «عوامل مؤثر بر خوشونت مردان علیه زنان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۲، صص ۳۳۶-۳۸۱.

- Gheytauchi, Elham, David M. Faris and Babak Rahimi (2015) 'Gender Roles in the Social Media World of Iranian Women'. In: David M. Faris and Babak Rahimi (eds) *Social Media in Iran: Politics and Society After 2009*. New York: SUNY Press, pp. 41–56.
- Karimi, S. (2014) Iranian Women's Identity and Cyberspace: Case study of Stealthy Freedom, *Journal of Social Science Studies*, 2(1) 221-233
- Press, S. (2011) *Theories of social movements. Sociology Reference Guide*. Pasadena, California • Hackensack, New Jersey: Salem Press, 5(2), 3-20
- Sovacool, B. K. (2022) Beyond science and policy: typologizing and harnessing social movements for transformational social change. *Energy Research & Social Science*, 94, 102857.
- Yar, M. (2005) The novelty of 'cyber crime': An assessment in light of routine activity theory. *European Journal of Criminology*, 2(4), pp. 407-427. Retrieved from: DOI: 10.1177/147737080556056.

